

چگونگی پایان يك سال و آغاز سالی تازه

پیام هونگ جین نیم و دمونیم از طریق خانم هیونم کیم
سی ام دسامبر دوهزار و هفت
مرکز آموزشی بهشت و زمین چانگ پیانگ

در تمامی طول تاریخ از زمان آدم و حوا، تا به هابیل و قابیل، یعقوب و عیسو، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و ظهور دوباره، اشخاص مرکزی تعیین شدند، چرا که بواسطه‌ی سقوط آدم و حوا، خدا در طول تاریخ برای خاطر بازسازی می‌زیسته است. به این منظور او این امید را داشت که اشخاص مرکزی بتوانند قلب و موقعیت او و همینطور فکر و خواست شیطان و تمامی چیزهای لازم در مورد پلیدی را درک کرده و بدینسان هرگز در وسوس شیطان و پلیدی سقوط نکرده، بلکه خواست خدا را به انجام برسانند. اما چنین چیزی بواقعیت درنیامد. وقتیکه به تدریسات اصل الهی گوش فرا داده و بطور مفصل در باره‌ی اشخاص مرکزی مطالعه می‌کنیم، سرانجام متوجه می‌شویم که زندگی آنها به تسلیم شدن در برابر وسوس شیطان و پلیدی ختم شد. چرا چنین شد؟ آیا بر چگونگی این موضوع واقف هستید؟ به خاطر طبیعتهای سقوط کرده بود! شیطان و پلیدی آنها را در برابر حسادت، تندخویی، نفرت، دغلاکاری، حرص و طمع، غرور، نارضایتی، خودمحوری، و غیره قرار داده و آنها در برابر آن وسوس تسلیم شدند و بدین ترتیب با توسعه‌ی تاریخ بشر، روز بروز بر میزان پلیدیها افزوده گردید.

از طرف دیگر، آیا می‌دانید چه کسانی بودند که براساس خواست خدا در سراسر جهان مخلوقات کار و تلاش داشته و درواقع پیام‌رسان بودند؟ فرشتگان در چنین مقامی قرار داشته و شخص مرکزی آنها بزرگ فرشته بود، اما با سقوط آدم و حوا بسیاری از آنها نیز سقوط کردند.

آگاهی از این نکته که خدا شیطان را نیافرید، بسیار ضروری است. در زمان آفرینش چیزی بعنوان شیطان وجود نداشت. بنابراین چه کسی شیطان شد؟ يك بزرگ فرشته بود که شیطان شد و در زمان سقوط آدم، حوا و بزرگ فرشته دو سوم فرشتگان نیز سقوط کردند. درواقع آنها جزئی از جریان عمل سقوط شدند و ما تمای کسانی را که جزیی از پلیدی شده‌اند، شیطان خطاب می‌کنیم.

آنها قوی و بر همه چیز واقف بوده، هدف خدا از آفرینش و خواست او را درک می‌کردند. وقتیکه روی برگردانده و بر علیه خدا کار کردند، با قدرت فزاینده‌تری باعث ویرانی هر چه وسیعتر وضعیت بشری در طول تاریخ شدند. وقتیکه يك انسان پلید ساکن زمین با عناصر و طبیعتهای سقوط کرده در درونش به دنیای روح می‌رود، شیطان و ارواح پلید مقدم بر او، از او روح پلید پر قدرتی می‌سازند. آیا می‌دانید که چرا آنها چنین می‌کنند؟ زیرا می‌خواهند تا بر خوبی غلبه کنند. در زمان آفرینش تمامی دنیای روح مثل پادشاهی بهشتی بود، کوهی زمین هم همینطور بود. اما با گذشت زمان بدنبال سقوط آدم و حوا پلیدی گسترش یافت. آیا می‌دانید این گسترش تا چه حدی بوده است؟ بدی (در مقایسه با حوزه‌ی خوبی) هشتاد درصد گسترش داشته است.

کار بازسازی متمرکز بر والدین راستین

والدین راستین بهشت و زمین و بشریت، که در مقام ناجی بر روی زمین ظهور کرده‌اند، این واقعیت تاریخی و همچنین خدا و خواست او را درک نموده‌اند. آنها با آگاهی از امیال خدا در واژگون کردن و بازسازی این دنیای تحقیر شده بواسطه ی سقوط آدم و حوا، به وضعیت اصیل خود در زمان آفرینش که قرار بود مامن شادی و خوشحالی باشد، مصمم هستند تا این امر را به واقعیت درآورند.

در انجام چنین چیزی، قلب شیطان و نیروهای پلیدی باید با قدرت خوبی تحت تاثیر قرار گیرد. به همین خاطر، خدا و والدین راستین در حین پیشبرد مشیت بازسازی، به شیطان و تمامی نیروهای پلیدی عشق داده و شرطهای غرامت مورد نظر آنها را برپا داشته‌اند و بدینوسیله قلب تك تك فرشتگان سقوط کرده را تحت تاثیر قرار داده و بازسازی کرده‌اند. اگر چه ما دارای گناه اصیل، گناه موروثی، گناه جمعی، گناه فردی و طبیعتهای سقوط کرده بوده‌ایم، اما آنها همواره پایین به روی زمین آمده و به ما برکت می‌دادند.

آنها با دادن برکت به ما در واقع می‌گفتند که "ما مسئولیت گناه سمج و هولناک یعنی گناه اصیل را بعهد می‌گیریم، اما شما باید با بکارگیری عشق راستین متمرکز بر اصل الهی خودتان را از شر گناه فردی، گناه جمعی، گناه موروثی و طبیعت‌های سقوط کرده خلاص کنید. یعنی اینکه این امکان وجود دارد و ما برآستی می‌توانیم خود را از شر این گناهان رها کنیم. نخست می‌بایست در برابر خدا و والدین راستین ایمان مطلق، عشق مطلق و اطاعت مطلق پیشه کنیم. سپس چه باید بکنیم؟ تاسیس استوار و پابرجای "ظهر"^۱. اینجا در چانگ پیانگ ما می‌بایست به تمرکز همه جانبه قلبی، روحی و جسمی دست یابیم. امروز باید بهتر از دیروز، فردا باید بهتر از امروز و سال آینده باید بهتر از امسال باشد. در گذشته ما می‌بایستی به اینجا آمده و به تاسیس پابرجای "ظهر" نائل می‌آمدیم، اما چنین نکردیم. ما می‌بایست، بمرور خود را از عناصر پلیدی که قبل از آشنایی با اصل الهی با آنها زندگی می‌کردیم، رها کنیم. ما می‌بایست از شر آنها خلاص شده و سپس به اینجا (چانگ پیانگ) بیاییم، اما در انجام این امر شکست خوردیم.

شکست خانواده‌های برکت گرفته در انجام مسئولیت‌هایشان

با این همه خود را چه خطاب می‌کنیم؟ ما می‌گوییم که خانواده‌ی برکت گرفته هستیم، در این صورت بسیار در اشتباه هستید. پدر راستین تنها ما را از گناه اصیل رها نکرده تا بتوانیم خودمان را از گناه فردی، گناه جمعی، گناه موروثی و طبیعت سقوط کرده جدا کنیم. او تنها گناه اصیل را از بین برده و می‌گوید که با بکارگیری ایمان مطلق، عشق مطلق و اطاعت مطلق باید خودمان را از تمامی دیگر انواع گناهان رها سازیم.

پدر می‌گوید، "از آنجاییکه تنها ناجی می‌تواند گناه اصیل را از بین ببرد، من مسئولیت آنرا بعهد می‌گیرم، اما مسئولیت تمامی دیگر گناهان بعهدی خود شما است." همانطور که قبل از این بدنال تاسیس این مرکز به شما گفته‌ام، ما می‌بایست با توجه به اصل الهی خود را متحول ساخته و به اینجا بیاییم، اما تا به حال در انجام این امر غفلت کردیم.

با توجه به این موضوع، اکنون چه می‌کنیم؟ ما دنیای روح خوب را بوجود آورده و ارواح پلید را از خود جدا می‌کنیم. در گذشته قرار بود تا در طی زندگی روزانه، جریان عمل جداسازی آنها صورت پذیرد، اما اکنون می‌توانیم با همکاری ارواح مطلقاً خوب، با دستان خود آنها را از وجودمان جدا کنیم. این چیزی برگرفته از راه اصل اولیه نیست، مسئولیت چنین چیزی نه بعهدی يك نفر بلکه بعهدی تمامی افرادی است که با اصل الهی آشنا هستند. نباید هیچکسی را مقصر قلمداد کرد. نباید بگوییم که "ما خانواده‌ی برکت گرفته هستیم، چرا باید در چنین سطحی زندگی کنیم؟ چرا با مشکلات بسیاری روبرو هستیم؟" لازم نیست تا کسی مورد سرزنش قرار گیرد.

اگر با رضایت خودمان به اینجا آمده و به تاسیس استوار و پابرجای "ظهر" نائل می‌شدیم، دیگر نیازی به آزادسازی اجداد نبود. در این صورت، وقتیکه ما به افرادی کامل مبدل شده و به جایگاه خدا دست می‌یافتیم، اجداد ما نیز می‌توانستند بطور همزمان ارواحی مطلقاً خوب شوند. این برکتی بود که خدا و والدین راستین می‌خواستند که ما دریافت کنیم، یعنی برکتی که قرار بود تا شما خودتان متمرکز بر کلام، یا متمرکز بر اصل الهی دریافت کنید. آنها آرزو داشتند تا ما خودمان متمرکز بر ایمان مطلق و عشق مطلق به آن نائل آییم.

اما چه کردیم؟ ما به زندگی گذشته‌ی خود قبل از آشنایی با اصل الهی و قبل از دریافت برکت نظر دوختیم. در نگاه کردن به گذشته، چه کسی بسوی ما آمد؟ شیطان و پلیدی حتی بسیار قویتر از گذشته بسوی ما هجوم آوردند. ما اکنون چگونه به نظر می‌رسیم؟ اکنون ما به ستون نمک^۲ می‌مانیم. آیا به چنین چیزی اقرار می‌کنید؟ ما ستون نمک شدیم، ما دوباره به ستونهای نمک مبدل شدیم، چیزی که به جای خوبی صد در صد مجبور به پیروی از پلیدی است. به این خاطر چون شیطان و پلیدی مولد بیماری، درد و رنج هستند، در پایان ما هم نتوانستیم از زندگی در بیماری، درد و رنج اجتناب کنیم و تاریخ ما اینچنین شکل گرفت.

از دست رفته بر روی زمین، از دست رفته در دنیای روح

والدین راستین چه چیزی را برای ما در این مکان برپا داشته‌اند؟ اینجا دنیای روح است، اینطور نیست؟ مرکز آموزشی بهشت و زمین چانگ پیانگ دنیای جسمی نیست، دنیای روح است. آنها چیز بسیار ضروری را برای ما فراهم آورده‌اند تا در آن بتوانیم بدن جسمی خود را از ارواح پلید خلاص کرده و اجدادمان را واداریم تا با ما همکاری کنند. آن دسته از اجداد ما که در بدترین شرایط و جایگاه (در دنیای روح) بسر می‌برند، می‌توانند آزاد شوند. بنابراین موضوع این نیست که از روی بی‌فکری به آنها بگوییم که "خب همانجا بمانید" بلکه باید آنها را در این زمان به ارواح مطلقاً خوب مبدل ساخته تا دیگر نیازی به تمديد در مشیت بازسازی وجود نداشته باشد.

^۱ به معنای نیل به رستگاری روحی بگونه‌ای که فاقد هرگونه سایه‌ای باشد.

^۲ اشاره به همسر لوط که با نگاه به پشت سر خود به ستونی از نمک مبدل شد.

تعدادی از اعضای خانواده‌های برکت گرفته هستند که به چانگ پیانگ نمی‌آیند، چرا که از اینجا خوششان نمی‌آید. اما چیزی وجود ندارد که آنها بر آن واقف نباشند. در گذشته ما می‌توانستیم با سپری شدن زمان و براساس راه زندگی خود به خوبی نائل شویم. این عبارت زمانی درست بود: "آنچه بر زمین ببندی در آسمان بسته گردد، و آنچه در زمین گشایی در آسمان گشاده گردد." اما اکنون برای تمامی ما که به ستونهای نمک میدل شده‌ایم، به جای رسیدگی به وضعیت زمینی، رسیدگی به وضعیت دنیای روح و ارواح پلید باید ارجحیت داشته باشد.

بنابراین دنیای فاعلی کدام است؟ دنیای روح یا دنیای جسم؟ براساس قسمت پنجم پیمان خانواده، دنیای روح فاعل است! در دنیای روح چیزهای بسیاری وجود دارند که باید حل و فصل شوند. تنها زمانی که آنجا به دنیای روح خوب مبدل شد، خوبی می‌تواند در دنیای جسمی نفوذ کرده و گسترش یابد. ما اکنون در موقعیتی قرار داریم که به هیچ وجه نمی‌توانیم حرکتی داشته باشیم، بنابراین چگونه امکان دارد تا بتوانیم مسائل موجود در اینجا را حل و فصل کنیم؟ چگونه می‌توانیم "بگشاییم" و قتیکه دست و پای خود ما غل و زنجیر شده است؟ نمی‌توانیم چنین کنیم. به این خاطر اوضاع و احوال دنیای روح باید حل و فصل و مرتب شوند، تا همه چیز از ما جدا شده و ما بتوانیم با شخصیت‌های کامل شده، شهروندان پادشاهی بهشتی شده و سپس به آنجا برویم. امور به ارمغان آورنده‌ی چنین چیزی، اموری تاثیرگذار بر دنیای روح هستند، یعنی همین فعالیت‌هایی که اینجا در چانگ پیانگ انجام می‌پذیرند.

مسئولین باید این موضوع را بدرستی درک نمایند که اگر چنین نکنند نمی‌توانند به چانگ پیانگ بیایند. نیامدن به چانگ پیانگ اشتباه است. این روزها دیگر موضوع این نیست که گرفتاری بر روی زمین باعث گرفتاری در دنیای روح می‌شود، بلکه برعکس گرفتاری در دنیای روح باعث گرفتاری بر روی زمین می‌شود. تنها زمانیکه شرایط در دنیای روح اصلاح شود، شرایط بر روی زمین نیز اصلاح خواهد شد.

مسئولیت خانوادگی برکت گرفته

بنابراین همانطور که قبل از این اشاره کردم، تنها نباید نگران شادی فرزندانمان، همینطور نگران خوراک، پوشاک، سرپناه و منزل خوب برای آنها باشیم، بلکه لازم است تا آنها مردمی بشوند که بتوانند تاریخ را تغییر بدهند. شما بر چگونگی و میزان حساسیت این دوره‌ی زمانی واقف نیستید. تاریخ ما بسیار طولانی‌تر از فقط شش هزار سال است. اینطور نیست؟ من و قتیکه به دنیای روح می‌روم، مشاهده می‌کنم که مسائل موجود نه نتیجه‌ی یک دوره‌ی شش هزار ساله بلکه حاصل یک تاریخ براستی طولانی‌تر می‌باشند.

ما پس از طی طریق از یک چنین تاریخ طولانی، اصل الهی را از والدین راستین که در مقام ناجی بر روی زمین ظهور نموده‌اند، آموخته‌ایم. و وظیفه کسانی که با اصل الهی آشنا می‌شوند این است که به تاریخ سر و سامان بدهند. در این زمان و قتیکه بطور عمیق در دوره‌های گذشته و در زندگی اشخاص مرکزی کند و کاو می‌کنیم، متوجه می‌شویم که فقط اشخاص مرکزی نبودند که مرتکب خطا شدند. کسانی که در آن زمان می‌زیسته‌اند، یعنی مردمی که نوح، ابراهیم، موسی و عیسی را می‌شناختند، هم نتوانستند مسئولیتشان را به انجام برسانند.

در این زمان، قصر صلح چان جانگ بنا شده و مراسم ورود پادشاه و ملکه‌ی صلح و همینطور مراسم تاجگذاری والدین بهشت و زمین به انجام رسیده و در این زمان است که والدین راستین به پیروزی نائل آمده‌اند. ولی چه می‌شد اگر اشخاص مرکزی در دوره‌های گذشته پیروز بوده و ما در این زمان پیروز نمی‌بودیم؟ در این صورت چه می‌کردید؟ این پایه‌ای می‌بود که باعث می‌شد تا ما از جانب تمامی تاریخ مورد مواخذه قرار گیریم.

در حین اینکه والدین راستین هنوز بر روی زمین حضور دارند، تعداد ما باید هر سال نسبت به سال گذشته بیشتر و بیشتر شود، در واقع می‌باید در هر سال تعداد بیشتری از مردم با اصل الهی آشنا شوند. بنابراین مسئولیت ما این است که تاریخی بجای بگذاریم که در آن با آشنا کردن تمامی مردم با اصل الهی در حین حضور والدین راستین و ناجی بر روی زمین، برپایی استوار "ظهر" بطور طبیعی به انجام برسد. آیا متوجه می‌شوید؟

طرز تلقی ما برای سال جدید

در آغاز امسال ما با خدا عهد بستیم که "در این سال چنین و چنان خواهیم کرد و آن را به خوبی به انجام خواهیم رسانید." اینطور نیست؟ ما پیمان بستیم. و خدا به ما ایمان داشته و می‌اندیشید که بله، او عضو برکت گرفته بوده، ورکشاپ برای شروع را سپری نموده و مالک چان ایل گوک است. من به او اعتماد دارم.

امروز چه روزی است؟ سیام دسامبر است. در این روز خدا می‌گوید "یک روز باقی مانده است. من این یک روز را هم صبر می‌کنم تا ببینم آیا به عهدی را که در آغاز سال بسته‌ای وفا می‌کنی." اگر مرتکب خطا شده‌اید باید به او گزارش بدهید و اگر عهدی بسته‌اید که به انجام نرسانده‌اید باید به او بگویید.

در کجا دنیای روح در نزدیکی ما است؟ در کجا می‌توانیم گزارش بدهیم؟ در چانگ پیانگ یا در مرکز خانواده. آن کسانی که به هر دلیلی نتوانستند به چانگ پیانگ بیایند، فردا باید به مرکز خانواده رفته و به خدا اینگونه گزارش بدهند "پدر بهشتی، در آغاز سالی که گذشت، من چنین عهده بستم اما در انجام آن شکست خوردم." باید به او بگویید که چرا نتوانستید چنین کنید و با این کار به او آرامش بدهید و او با قلبی والدینی شما را در آغوش خواهد گرفت. بدینسان ما باید توسعه بخش چنین چشم‌اندازی از زندگی با ایمان خود باشیم. آیا متوجه می‌شوید؟

ما بدون حدیث دعا می‌کنیم، خیلی معمولی گزارش می‌دهیم، بدون اینکه بیاندیشیم و با بی‌علاقگی درباره‌ی عدم تواناییهای خودمان گزارش می‌دهیم، و خیلی عادی می‌گوییم که اگر نمی‌توانیم انجام بدهیم، انجام نمی‌دهیم و اگر بتوانیم، انجام می‌دهیم. ما بطور عادی قبل از غذا، خواب و یا در مرکز نهضت در روزهای سرویس دعا می‌کنیم. اما در نهایت باید بدانیم که خدا در واقع به دعای ما و به آنچه را که در دعایمان عنوان می‌کنیم، ایمان دارد. باید بدانیم که شیطان هم به آنچه که در دعایمان عنوان می‌کنیم، گوش می‌دهد. او تلاش خواهد داشت تا مانع انجام آن چیزی شود که در دعایمان مطرح شده است و خدا با عشق و برکت مواظب ما است تا به مضامین دعایمان جامه‌ی عمل بپوشانیم. او امیدوار است که آنها را به انجام خواهیم رساند.

دلیل عدم انجام دعای ما این است که خدا نمی‌تواند به ما کمک کند و علت این است که ما در قلب و جسم و روحمان با او یکی نیستیم. آیا متوجه می‌شوید؟ بنابراین با پایان سال دوهزار و هفت، باید به این موضوع بیاندیشیم که "خانواده من و من تا چه اندازه با خدا در قلب و جسم و روح یکی بوده است؟" ما باید درباره‌ی این موضوع بیاندیشیم، مخصوصاً وقتی که بخش سرود مقدس^۳ آغاز می‌شود یا وقتی که به سالن جانگشیم^۴ می‌رویم.

وقتی که به سال دوهزار و هشت می‌اندیشیم، نه اینکه بسادگی تمامی شکستهای خود در سال گذشته را بدوراندازیم بلکه باید درباره‌ی این موضوع نیز بطور عمیق بیاندیشیم. به این موضوع بیاندیشید و در صورت امکان، آن را در طی امروز یا فردا به انجام برسانید. چیزی را که در این فرصت نمی‌توانید انجام بدهید باید بدون هیچ شکی در سال آینده به انجام برسانید. در این راه شما فرزندان خدا شده و احساس خواهید کرد که از صلاحیت مورد اعتماد قرار گرفتن از جانب او برخوردار هستید.

خدا از من پرسید، "آیا می‌توانی کاری را که چانگ پیانگ باید به انجام برساند به پیش ببری؟" من گفتم، "بله" او گفت، "آیا واقعاً می‌توانی چنین کنی؟" و من با تاکید گفتم، "بله!" او پرسید "آیا می‌دانی که بزرگترین مشکل در کاری راکه می‌خواهی انجام بدهی چیست؟" و من پاسخ دادم "خیر نمی‌دانم." او گفت "بدست آوردن قلب مردم بی‌وفا و کسانی که عهد بسته و هرگز به عهد خود وفا نمی‌کنند! این بسیار مهم است."

او به من گفت که مردم غیر قابل اعتماد هستند، و سپس ادامه داد "لازم است تا تو قلبهای آنها را بدست آوری، قلبهایی که اصیل هستند، تو خود نیز باید اصیل باشی و با عشق با آنها رفتار کنی. نباید امیدی در دریافت چیزی داشته باشی، بلکه فقط با صداقت و سختکوشی بسیار فداکاری کرده و خدمت کنی. در این صورت ماموریت به انجام خواهد رسید.

البته در حین بناسازی این مرکز و همینطور قصر اصیل پیشکشهای بسیاری از جانب اعضاء انجام شد، ولی من در حین پیشبرد فعالیت‌های چانگ پیانگ هرگز به اعضا نگفتم که "شما باید چنین مبلغ یا چنان مبلغی را پیشکش کنید." اما چیزی را که برآستی می‌توانم به آن افتخار کنم این واقعیت است که من تا به این زمان هرگز از جانب حتی يك نفر پولی دریافت نکردم. چرا؟ چون می‌خواستم همانطور که خدا به من گفته بود با يك فکر فداکار و خادم کار کنم. به همین خاطر تا به این زمان حتی یکبار هم به کسی نگفتم که چنین مبلغی را پرداخت کن تا تو را شفا بدهم" یا "چنین مبلغی را پیشکش کن تا به امور تجاری تو رونق بخشم."

آن فعالیتها که اعضاء با عشق، فداکاری و خدمت به انجام رساندند، تا به امروز سیصد و بیست میلیارد روح مطلقاً خوب را به عرصه‌ی وجود آورده، چیزی را بوجود آورده که ما اکنون چانگ پیانگ می‌نامیم و همینطور قصر چانگ پیانگ را بنا نهاده‌اند. هر جنبه و هر مرحله از بناسازی قصر صلح چانگ پیانگ، درست بسان معلق ماندن در هوا امری بسیار مخاطره آمیز بود. حتی تا زمان برگزاری مراسم ورود والدین راستین به قصر و همینطور مراسم تاجگذاری پادشاه و ملکه‌ی صلح، ما اطمینان نداشتیم که اساساً چنین چیزی انجام خواهد گرفت. اما اکنون جای نگرانی وجود ندارد. چرا؟ بدنبال سقوط، این امکان وجود نداشت که خانه‌ی خدا بر روی زمین، در يك دنیای برآستی خوب بنا نهاده شود. چیزی که تحقق خواست بهشت و زمین را ممکن ساخته این واقعیت است که اکنون در تمامی بهشت و زمین خانه‌ای وجود دارد که در آن خدا می‌تواند ساکن شود. این يك تعهد و ضمانت برآستی باشکوه است.

آغاز يك تاريخ تازه از مارس دوهزار و هشت

^۳ بخش جداسازی ارواح پلید یا آزادسازی اجداد در مجموعه برنامه‌های چانگ پیانگ
^۴ سالن دعا در مرکز آموزشی چانگ پیانگ

بنابراین از ماه مارس دوهزار و هشت اگر شما عزیزان در اینجا باشید، تاسیس پایدار "ظهر" را به انجام رسانده و همه چیز را حل و فصل خواهید کرد. در این دوره، شرایطی که باعث شد تا مردم به ستونها نمک مبدل شوند از بین خواهند رفت. البته برای کسانی که به ستونهای محکمتری از نمک مبدل شده‌اند دوره‌ی بازسازی طولانی‌تر خواهد بود اما در پایان همه بازسازی خواهند شد.

بنابراین همه باید با ایمان مطلق، عشق مطلق و اطاعت مطلق در آن مسیر قرار بگیریم. از ماه مارس دوهزار و هشت دوره‌ای آغاز می‌شود که در آن می‌توانیم در برابر تمامی دنیا به خانواده‌ی برکت گرفته بودن خود افتخار کنیم، زیرا تحولات بسیاری در آن زمان صورت خواهند گرفت. از این به بعد تمامی پیشرفتهای حاصله در فعالیتها و برنامه‌ی سرود مقدس در چانگ پیانگ در برابر چشمان ما مرئی و قابل مشاهده خواهند بود. عصری که در آن همه چیز بطور باشکوهی پیشرفت خواهند داشت در سال دوهزار و هشت آغاز خواهد شد.

اکنون اجداد نسلهای صد و چهل و یک تا صد و چهل و هفت را آزاد می‌کنیم و از ماه ژانویه آنها برکت دریافت خواهند کرد. باید بدانید که از زمانیکه اجداد نسلهای صد و چهل و یک تا صد و چهل و هفت برکت بگیرند تاریخ دگرگون خواهد شد.

آمادگی برای سال نو

بنابراین، اعضای محترم، لطفاً تمامی مسائل زندگی خود را در سال دوهزار و هفت حل و فصل کنید. امروز بدنبال سخنان من در برنامه‌ی سرود مقدس می‌توانید همه چیز را از خود جدا ساخته و اینجا در چانگ پیانگ دفن کرده و خودتان را آزاد کنید. در حین نگاه به لیست اجداد شما که تا صبحگاه امروز به آن مشغول بودم، به میزان بسیار زیاد اشتباهات انجام شده می‌اندیشیدم. چه باید بکنیم؟ آیا باید اینها را بعنوان مسئولیت خود افراد فقط به عهده‌ی خود آنها بسپاریم؟ یا اینکه به آنها کمک کنیم؟ ... باید به آنها کمک کنیم!...

در بسیار خوب بود اگر اعضاء می‌توانستند شاهد اتفاقات و رویدادها باشند که در حین برنامه‌ی سرود مقدس رخ می‌دهد. من بسیار تاسف می‌خورم از اینکه شما نمی‌توانید آن رویدادها را مشاهده کنید. اگر قادر به دیدن آن اتفاقات روحی می‌بودید، آنگاه بسیار شکرگزار بوده و فریاد قدردانی سر می‌دادید. در این بخش طولانی سرود مقدس تمامی اشتباهات سال دوهزار و هفت را از خود جدا ساخته به ارواح مطلقاً خوب بسپارید. بدنبال آن باید با آن اقبال بهشتی در برابر خدا و والدین راستین یک فرزند خلف بوده و از راه دختران و پسران الهی وظیفه شناس پیروی کنید.

از شما می‌خواهم تا با امید بسیار به پیشبرد خوبی در تمامی امور به استقبال سال دوهزار و هشت بروید. از شادی سلامتی در زندگی روزانه‌تان لذت ببرید، و اینگونه با قلب یک فرزند خلف در پیشگاه خدا و والدین راستین، از سنت روحی راه پسران و دختران الهی وظیفه شناس پیروی کنید، که می‌تواند بوجود آورنده‌ی تحولی عظیم در مسیر تاریخ باشد. با آرزوی برکات بسیار برای شما در این سال، خواهش می‌کنم اعضای پرافتخار اجتماع نهضت هماهنگ بشوید.

متشکرم.